

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

جمعه ۳۱ جولای ۲۰۲۰

ناتور رحمانی

## انترکت (پیش پرده یی)

« قصه ی از دیروز تا امروز »

**آدمها : ستمدیده ، آواره**

زمان : گهشمار درجا زده به درازنای بیشتر از سه دهه !!

**قسمت دوم**

.... ستمدیده – میدانم در گذشته و حال چنین بوده که وجدان مرده های زیاد برای آستان بوسی پیاده یدستگاه استخبارات همسایه ها تا سطح فرومایگی کرنش کرده اند ، و اینک به همان هوا کرسی نشینان آنطرف دریای هیرمند و آنسوی خط دیورند در تبنای با دست نشانندگان شان قانون وضع می نمایند ، آنها می کوشند سیاست خارجی افغانستان را به تمنا و مرام خویش تنظیم نمایند، تا بیشتر رژیم دست نشانده و زمامداران انتصابی را در مشت خویش داشته باشند .

آواره -- چنین است دوست ! هر رئیس جمهور چون خودش کاسه ی زیر نیم کاسه است ، مانند گوسفند قربانی با چشمان سرمه کرده منتظر نوبت اش میماند ، تا به مسلخ استعمار برود .

ستمدیده – عجب هنگامه ای شرم آور و ننگینی در کشور مسلط است !!

آواره -- عجب تر اینکه به همین نزدیکی ها روزنه دیگری را میخواهند مسدود یا کور نمایند تا مبدا در روشنایی آن امیال ناشایست و اعمال نامبارک حال و گذشته شان برملا گردد .

ستمدیده – از کدام مشعلدار دیگر حرف میزنید ؟

آواره -- خوش خیال مباش کدام مشعلدار ؟ درین چهاردهه در محدوده ی رژیم های سیاسی هرچه وارد یا ساخته شده درین کشور ، از جنس چراغ کش و تاریک ضمیر بوده است و بس ،

درین روزگار نامردی و نامردمی ، غیر از خایف و خاین ، مفسد و مفتن ، چیزی دگری را ملت ندیده است ، از زعیم تا ندیم ، از کتون تا قدیم ، خیانت و جنایت رسم روز است جانم !  
و این خاین ها و جانی ها ، سال هاست که با دیده درایی و زورگویی در سایه قدرت بدار های شان به یک ملت بزرگ اهانت می کنند و تحقیر می نمایند !!؟

ستم‌دیده – دانستم ، اگر ندانسته بودم هم دانا شدم : این جنایتکاران که دست شان تا بازو در خون ملت رنگین است ، و با فساد اداری ملتی را به بیچارگی کشانیده اند ، باید به میز محکمه کشانیده شوند ، نه اینکه با جابجایی چوکی ها موقف شان حفظ ، و در هر دوره ی از حکومتداری سهامی ، سهمی داشته و با رهزنی نان از گلوی درمانده ترین ها برابند .

آواره -- محکمه ، کدام محکمه ؟ محکمت برای بیگناه ها فعال است ، دزد و زانی ، جلا و جانی از دروازه عقبی محاکمه ، به دستور شریک جرمی اش که در رأس قدرت است ، بدون مجازات برون شده ، بی خیال و بی هراس به جنایت و خیانتش ادامه میدهد ، کسی را مجال نیست به آنها بگوید بالای چشمت ابروست .

ستم‌دیده – گل گفتی ، مانند قضیه ی وزارت مالیه و ( عمر زاخیلوال ) وزارت حج و اوقاف و ( صدیق چکری ) کابل بانک و ( برادران کرزی و مار – شال فهیم ) و دهها مسله ی دگر که ملیارد ها دالر را بردند و خوردند و حیف میل کردند ... .

آواره -- محکمه و عدالت مانند « قانون و قانونی » در سرزمین افغانها در چنین حال و احوال نام بی مسما است .

ستم‌دیده – ای همنوا ، ای همصدا ! چقدر پُر درد است این جور و این جفا .

آواره -- بلی . عدم آگاهی سیاسی ، غلام منشی ، مردم ستیزی و خیانت به وطن با یاری و توطئه سازمان های استخباراتی شرق و غرب ، همسایه های دور و نزدیک در یک اتحاد نامقدس کاری به حق افغان و افغانستان نموده و مینمایند که تاریخ از شرم عرق میریزد !

ستم‌دیده – باش که این گل نو ی پرورده دست استعمار ، چه گلی به آب خواهد داد ، و با جمهوری نام نهادش چه خواهد کرد ؟

آواره -- همان چیزی که شاه شجاع سوم ( حامد کرزی ) در سیزده سال حکومت سهامی اش کرد ... .

ستم‌دیده – پس با این احوال همسایه همیشه پُر جنجال ، و مستدام شاید شرقی برای بلعیدن آن نیم نخودک خط بخشی دیورند ، هرازگاهی جنجال می آفریند و قصه پُر غصه نوی می سازد ، از

راکت پراگنی تا صدور خراتین طالبی و تفنگداران آدمکش ، برای بی ثباتی بیشتر و بیچارگی های بیشتر مردم ما ، این همسایه محیل با تبنای مزدوران شرفباخته اش همانقدر که لاف همسایگی ، برادری و مسلمانی میزند ، به همان تناسب بسیار زیرکانه میخواهد ریشه ها و پیکر واحد جغرافیایی ما را قطع قطع نماید ، ببین گاه به امتداد خط مرزی سیم خاردار و دیوار می کشد ، ماین فرش میکند ، گاه بالای محافظین مرزی افغانستان امر فیر میدهد ، در حضور جهان دست ولسمشر را فشار میداد و در غیاب دستارش را به دست طرار زمان می سپرد ، این سیاستمدار آب خورده از دست برتانیای کبیر هر زمان هم به نعل زده است هم به میخ ، با ( احمدزی ) این آدمک روانی هم چنین خواهد کرد ، تا مگر فراموش گردد مسله خط دیورند و کس نبیند آدمکشان دیوبند .

آواره -- این آدمکشان دیوبند کی ها اند ؟

ستمدیده - همان طالبان کرام تربیه شده در مدارس دیوبند که توسط همسایه مهربان و مسلمان ما تمویل و تسلیح گردیده با عبور از خط دیورند دست به کشتار مردم بیگناه و بی دفاع ما می زنند که گویا یک رکن از مسلمانی همین است ، آنهم از نوع انتحاری اش به هدف ساختن ماوای در جنت و غنودن در آغوش حوری تا هزار سال نوری !؟

آواره -- و چنین است که با ایجاد نا امنی و برخورد های سلیقه پی در کراچی ، بلوچستان ، وزیرستان جنوبی ، صوبه سرحد ، نورستان و کنرها و غیره ، هر روز مردم بی خبر از سیاست و میاست با خون شان جاده ها را رنگین میسازند .

ستمدیده - خوب " سلاطین خود دانند و کار کشور خویش " این موضوعات چه ربطی به کار ما دارد ؟

آواره -- دارد جانم دارد ! ببین حکومت جنرال ها و چوهدری ها بسیار زیرکانه پول های پرداخته شده جهان را که باید برای قلع و قمع و مسدود ساختن راه تفنگ داران طالبی و قالبی و محو تروریزم در منطقه به مصرف برساند تا از فروپاشی انسانیت و معدنیت جلوگیری شود به میل و اراده شخصی مصرف میکند ، دوی دیگر اینکه افغانستان را درگیر مشکل و صد جنجال میسازد تا حضور دایمی چاکران خویش را در راستای سیاست و میاست حکومت « زی ها » زمینه سازی نماید و با فریب همه رنگ مطلوب خاک به چشم امریکا می زند تا پول بیشتر برای تخریب فزونتر به دست آرد .

ستمدیده – عامل اصلی امپریالیزم جهانخور است ، مگر خود امریکا این را نمی خواهد ؟ گذشته ازین حکومت جنرال ها درین اواخر برای رسانه های همگانی اعتراف ننمود که " بلی . گروه تروریست طالبان در خاک پاکستان موجودیت دارند " که از همانجا مسلح گردیده به قصد خونبار ساختن تن زخمی افغان و افغانستان راهی میشوند !!

آواره -- بلی ، این اعتراف " اعتراف روباه است پس از کندن کله ای گرگ "

ستمدیده – مگر چرا و صد چرا ای دیگر !!؟

آواره -- همسایه های مغرض ما توان دیدن یک دولت قوی ، آزاد ، مستقل و دموکرات را در کنار خود ندارند ، بناً ترجیح میدهند که افغانستان برای همیشه ویران ، گرسنه ، بی سواد ، متکی به غیر ، فقیر و نیازمند باشد !!

ستمدیده – بلی . فهمیدم و به همین دلیل هر وجدان مرده ای خاین که از راه میرسد آب به آسیاب بدخواهان میریزد تا گویا " هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد .... "

آواره -- دقیق ، لاف از وطنخواهی ، برادری و رفاقت میزنند و درعمل برای برادرکشی ، رفیق کُشی و بربادی وطن کمر می بندند ، بنام های مختلف ، در ادوار مختلف ، با ادا های مختلف ، با رخت های مختلف ، با برآمد های مختلف و با مرام های مختلف !!

ستمدیده -- کاش این ها میدانستند که بار کژ به منزل نمی رسد و روسیاهی ابدی برای آن میماند که در او غش باشد .

آواره -- کاش که ... کاشکه ؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟؟

( درین وقت صدای زنگ بگوش میرسد )

ستمدیده – این زنگ خطر است ؟

آواره -- نخیر . زنگ آگاهی برای شروع نمایشنامه .

ستمدیده – کدام نمایشنامه ؟

آواره -- آنکو نویسنده ، کارگردان و بازیگرش نه تو باشی و نه من .

ستمدیده – دانستم . آنی که نه تو دانی و نه من ....

( ستمدیده و آواره یاران همصدا و همزنجیر کنار میروند و پرده برای نمایش اصلی باز میشود

، دور دگر ، دو و لت کاری دگر )

نه از موج نسیم است ، اینقدرها جوش بیتابی  
تب شوق کسی ، در رقص دارد نبض دریا را  
خموشی غیر افسردن ، چه گل ریزد به دامانت  
اگر آزاده یی ، با ناله کن پیوند اعضاء را  
( بیدل )